

ای بنده حق صبح هدی چون از افق اعلی طلوع نمود پرتوش بشارت کبری

بود ۰۰۰

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۲۳۷

ص

خان

حضرت

بواسطه

جناب آمیرزا نصرالله علیه بهاء الله الاهی

هو الله

ای بنده حق صبح هدی چون از افق اعلی طلوع نمود پرتوش بشارت کبری بود و مرده اش ظهور جمال ابهی و در احسن القصص قیوم اسما واضح من دون خفا و در جمیع بیان جمیع امور منتهی باین ذکر ابداع احلی انّ یوم القيامة من اول ما یطلع شمس البهاء الی ان یغرب و ایاک ایاک ان تحتجب بالواحد البیانیة و ایاک ایاک ان تحتجب بما نزل فی البیان و از جمله واحد بیان خود آنحضرتست هیجده حروف حی و نوزدهم خود حضرتست و یکی از حروف حی حضرت قدّوس است که میفرماید سیزده واحد مرآت در ظلّ اوست پس بختجبین بفرما که حضرت اعلی با وجود اینکه میفرماید زنهار زنهار محتجب از آن جمال کبریا بتوجه بمن مگرد و یا بآنچه که در بیان نازل شده با وجود این ای بیپوشان از هر طرفی فریاد برآید یکی گوید این ظهور من یظهره الله و دیگری گوید این قصور من یظهره الله دیگری فرماید این مکتب دروس من یظهره الله و دیگری گوید این مهد نشور من یظهره الله حضرت اعلی میفرماید ایاک ان تحتجب بالواحد البیانیة او بما نزل فی البیان لکن این بیپوشان ظواهر آیات را بهانه نموده و بر آن جمال بیمثال که جمیع بیان بذکر او نازل شده اعتراض نمایند فما لهؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثاً میفرماید اگر الیوم ظاهر شود فانا اول العابدین ثم انتم فی سنة التسع کلّ خیر تدرکون ثم و ثم الی آخره

اول ملاحظه فرما که بچه استناد فتوی بر خون حضرت اعلی روحی له الفداء دادند ملا محمد ممقانی گفت ایها الناس خدا در قرآن میفرماید ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین یعنی هدایت عالمیانست و بنصّ صریح میفرماید ولکنه رسول الله و خاتم النبیین ما چنین نصّ صریح را چگونه سبب ضلالت دانیم با وجود اینکه عین هدایتست این شخص که گوید اولاد



ORIGINAL

رسول بنیان رسول را برانداخت پس بعضی از احکامیکه در بیان منصوص است و بکتاب اقدس نسخ شده است یک یک را شمرد بعد گفت که علامت سیادت را از سر مبارک حضرت برداشتند و بکمال بغضا آن فتوی را بی محابا داد بگو آیا قوم یهود بجه متمسک شدند و آن یار را زینت دار کردند جز بظواهر آیات توراۃ تشبث نمودند و از آن فیض مسیحائی محروم گشتند بنص توراۃ تشبث نمودند و از آن منزل توراۃ محتجب گشتند و فریسیان که اعلم علمای عصر و زمان بودند حضرت مسیح را مسیح نامیدند و آن وجه صبیح ملیح را قبیح شمردند اینست شأن امم در وقت اشراق نیر عالم و همچنین چون نفحات قدس احمدی شطر بطحا و یثرب را معطر نمود و نسیم جان پرور تعالیم الهی جزیره العرب را معرض بهار روحانی کرد علمای مسیحیین متشبث بظواهر کتاب مبین گشتند و از اشراق آفتاب علیین محروم ماندند زیرا بنصوص قاطعه ظاهره انجیل جلیل بشارتی بعد از حضرت مسیح نخواهد بود کشیشان و قسّيسان باین عبارات متمسک شدند و از نور یقین که از افق مبین ساطع و لامع بود محتجب ماندند

خلاصه جمیع ملل در یوم ظهور نور رحمن متمسک بظواهر آیات کتاب گشتند و از فیض یزدان خود را بی بهره و نصیب نمودند این سہلست اکثر علما از کتب استنباط فتوی بر قتل سلاطین وجود و انوار غیب و شہود نمودند اما آن ملل اگر محتجب از ملوک آفاق گشتند چندان جای تعجب نبود زیرا وصایای صریحه واضحہ در کتب و نصایح مکملہ در صحف مثل بیان نبود اما حضرت اعلی روحی له الفداء از برای نفسی محل توقف نگذاشتند بکلی پرده برداشتند بصریح عبارت در جمیع بیان فرمودند کہ مقصد از جمیع الواح و زیر آن نیر اعظمست زینہار بصریح کتاب و تأویل خطاب و اشارات آیات محتجب از آن نیر آفاق نگردید آیا چنین وصایا و نصایحی در توراۃ و انجیل یا فرقان جلیل موجود لا والله این مختص باین ظهور اعظمست کہ صبح ہدی جمال اعلی روحی له الفداء کشف غطا فرمودند و سبیل ہدی در نہایت وضوح و صفا نمودند

و از این گذشتہ بعد از شہادت آنسر وجود و مقام محمود این قوم عنود کجا بودند ہر یک در زاویہ خذلان ابدی خزیدہ و رو را از یار و اغیار پوشیدہ در نہایت خوف و ہراس مخفی از جمیع ناس بودند تا آنکہ جمال قدم و اسم اعظم روحی لاحبائہ الفداء امر اللہ را بلند فرمودند آنوقت این ماران و موران از حفرہ خفا بدرآمدہ جولان نمودند ولی ایامی نگذشت مگر آنکہ فساد کردند و علم عناد بلند نمودند و خود را بحفرہ عذاب انداختند لا تسمع لهم ذکراً و لا ہمساً این وقایع اخیرہ را ملاحظہ نما وقتیکہ این آوارگان در زیر تہدید شمشیر بودند سلطان الشہداء و محبوب الشہداء روحی لهم الفداء و همچنین سائر شہدا بمقام شہادت کبری فائز گشتند شہداء یزد را پارہ پارہ نمودند و شہیدان خراسانرا سوختند و رماد اجسادشانرا بیاد دادند و همچنین در شیراز و سائر جہات رئیس این قوم عنود در منابر اصفہان و طہران بصریح عبارت تبرّی از حضرت اعلی مینمود آیا این را ہم میتوان پنهان کرد داستان اصفہان و طہران شدہ بود حال کہ ملاحظہ مینماید کہ آوازہ امر اللہ شرق و غرب را بحرکت آورده و صیت اسم اعظم جنوب و شمال را احاطہ کردہ قوۃ کلمۃ اللہ قوأت عالم را برزلہ انداختہ و ندای الهی جہان انسانیرا ببشارت روحانی حیات بخشیدہ دوبارہ از حفرہ خمودت بیرون آمدہ عربدہئی مینماید و اظہار وجود میکند کہ ما اہل بیانیم و اساس این بنیان ہیہات سنینی چندی قبل از این کجا بودند کدام یک از اینہا در سبیل ربّ اعلی جام بلا نوشید یا زحمتی کشید جز تبرّی و بیزاری ابداً چیزی صادر و ظاہر نشد و بغیر از فسق و فجور بروز و ظهوری نگشت حال نیز اگر امتحانی بمیان آید واللہ الذی لا الہ الاّ ہو فوراً ملاحظہ نمائید کہ بر فراز منبر برآیند و ندای نحن بریئون بلند نمایند بلکہ لعن و طعن فرمایند ایجناب یک سئوال صواب از این نفوس بنما و بگوای اہل انصاف باللہ بعد از سفک خون مطہر حضرت اعلی این میرزا یحیی چہ کرد جز آنکہ دمامم بفکر عروسی افتاد ہر

روز حرمی در بر گرفت حتی تجاوز بحرم محترم نمود که امّ المؤمنین بود و بنصّ جمیع شرایع الهی این بی‌حرمتی قطعاً جایز نه با وجود این ابداء مراعات ظاهری نیز ننمود خود تصرف نمود و باین کفایت نکرد بدیگری بخشید جز این فعل فظیع چه نصرتی در امر الله نمود کدام نفسی را تبلیغ کرد و کدام مسئلهئی را تشریح نمود و در چه موقعی بجانفشانی برخواست و در چه موردی نفس رحمانی اظهار کرد این خواصّ اتباع اوست که ملاحظه مینمائید حتی از آداب ظاهری محرومند یکی پرستاست و دیگری اندلف در کلیسای رومیان این چه بلاهت است و این چه حماقت این چه غفلتست و این چه جهالت

یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا له انّ الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذباباً ولو اجتمعوا له و ان یسلبهم الذباب شیئاً لا یتنقذوه منه ضعف الطالب و المطلوب و همچنین میفرماید یدعو من دون الله ما لا یضرّه و ما لا ینفعه ذلک هو الضلال البعید یدعو لمن ضرّه اقرب من نفعه لبئس المولى و لبئس العشیر و انّ هذا هو الحقّ الیقین ملاحظه نمائید که شهاب ثاقب میثاق چگونه بقلب آفاق زد و چه اشراقی از ملکوت غیب در صفحات سقلاب و افلاق افتاد

شرق	منور	نما	غرب	معطر	نما
نور بسقلاب ده روح بافلاق بخش					

با وجود این این منکران مانند خفاشان در زاویهٔ خمول خویش خزیده انکار آفتاب کنند فنعم ما قال

فهبی	قلت	هذا	الصّبح	لیل
ایعمر الناظرون عن الضیاء				

لا والله فسوف تسمع نغمات هذا الصّور و نقرات هذا النّاقور من الملاء الاعلیٰ فسبحان ربّی الابهی و علیک التّحیّة و الثّناء

ع ع